

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Scope and Challenges Arising from Electronic Litigation in Iranian Law

Mahbobeh Bashiri\*<sup>1</sup>

1. M.A. Graduated in International Economical Commercial Law, Mofid University, Qom, Iran

\* Corresponding Author's Email: mahbobebashiri@gmail.com

### ABSTRACT

With the expansion of information technology and the necessity of transforming the judicial system, electronic litigation has emerged in the Iranian legal system as a mechanism for increasing the speed and accuracy of proceedings while reducing litigation costs. The present study aims to explain the operational scope of electronic litigation in the fields of civil and criminal law and to identify the legal and technical challenges arising from the full implementation of this system within judicial authorities. Using a descriptive-analytical method and relying on library-based resources, this research examines statutory laws, including the Code of Criminal Procedure (electronic litigation section), the Electronic Commerce Law, and the related executive regulations. The findings indicate that although the scope of electronic litigation in Iran has expanded from the stage of filing claims and electronic service of process to the stages of enforcement of judgments and electronic monitoring (electronic ankle bracelets), it still faces serious challenges. In civil disputes, the "authentication of digital evidence" and the "security of data exchange" are among the most significant challenges, while in criminal proceedings, the conflict between the acceleration of proceedings and the "defense rights of the accused" (such as the right to physical presence and in-person confrontation with witnesses) constitutes one of the principal identified concerns. Furthermore, unequal technical infrastructure across different regions of the country has hindered the realization of uniform procedural justice. Electronic litigation in Iran has moved beyond the transitional stage and become an unavoidable necessity; nevertheless, its effectiveness in both civil and criminal domains requires reconsideration of traditional evidentiary laws and the strengthening of security infrastructures to safeguard the privacy of litigants. The full acceptance of this system requires establishing a balance between "technological efficiency" and the "guarantees of fair trial" so that expedited proceedings do not result in the violation of individuals' fundamental rights.

**Keywords:** *Electronic Litigation, Civil Law, Criminal Law, Sana System, Digital Evidence, Defense Rights.*

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱ خرداد ۱۴۰۲

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

# قلمرو و چالش‌های ناشی از دادرسی الکترونیک در حقوق ایران

محبوبه بشیری<sup>۱\*</sup>

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق تجاری اقتصادی بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mahbobehbashiri@gmail.com

### چکیده

با گسترش فناوری اطلاعات و ضرورت تحول در نظام قضایی، دادرسی الکترونیک به عنوان راهکاری برای افزایش سرعت، دقت و کاهش هزینه‌های دادرسی در نظام حقوقی ایران ظهور کرده است. هدف از پژوهش حاضر، تبیین قلمرو اجرایی دادرسی الکترونیک در حوزه حقوق مدنی و کیفری و شناسایی چالش‌های حقوقی و فنی ناشی از استقرار کامل این نظام در مراجع قضایی است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی قوانین موضوعه از جمله قانون آیین دادرسی کیفری (بخش دادرسی الکترونیک)، قانون تجارت الکترونیک و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه قلمرو دادرسی الکترونیک در ایران از مرحله ثبت دادخواست و ابلاغ الکترونیک تا مرحله اجرای احکام و نظارت‌های الکترونیک (پابند) گسترش یافته، اما همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. در دعاوی مدنی، «احراز اصالت ادله دیجیتال» و «امنیت تبادل داده‌ها» و در دعاوی کیفری، تعارض میان سرعت دادرسی با «حقوق دفاعی متهم» (نظیر حق حضور فیزیکی و مواجهه حضوری با شهود) از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده هستند. همچنین، زیرساخت‌های فنی نامتوازن در نقاط مختلف کشور، تحقق عدالت رویه‌ای یکسان را با مانع روبرو ساخته است. دادرسی الکترونیک در ایران از مرحله گذار عبور کرده و به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است؛ با این حال، برای کارآمدی آن در هر دو قلمرو مدنی و کیفری، بازنگری در قوانین سستی ادله اثبات دعوا و تقویت زیرساخت‌های امنیتی برای صیانت از حریم خصوصی اصحاب دعوا الزامی است. پذیرش کامل این سامانه نیازمند ایجاد تعادل میان «کارایی تکنولوژیک» و «تضمین‌های دادرسی منصفانه» است تا سرعت در رسیدگی منجر به تضییع حقوق بنیادین اشخاص نگردد.

**کلیدواژگان:** دادرسی الکترونیک، حقوق مدنی، حقوق کیفری، سامانه ثنا، ادله دیجیتال، حقوق دفاعی.

حقوق کیفری، موضوع بسیار حساس تر می‌گردد؛ چرا که در اینجا با آزادی و کرامت انسانی روبرو هستیم. پرسش بنیادین این است که آیا بازجویی از راه دور یا برگزاری جلسات دادگاه به صورت ویدئوکنفرانس، می‌تواند جایگزین «حضور فیزیکی متهم» و «مواجهه حضوری» شود؟ آیا وکیل مدافع در فضای مجازی می‌تواند به همان اندازه فضای فیزیکی از حقوق موکل خود دفاع کند؟ اینجاست که تعارضی جدی میان «کارایی و سرعت» با «تضمینات حق دفاع» شکل می‌گیرد. علاوه بر چالش‌های نظری، موانع اجرایی و فنی نیز در بستر حقوق ایران خودنمایی می‌کنند. شکاف دیجیتال میان مناطق مختلف کشور، نبود زیرساخت‌های یکپارچه در برخی نقاط دورافتاده، ریسک‌های مربوط به امنیت داده‌ها و حملات سایبری به بانک‌های اطلاعاتی قضایی و همچنین مقاومت احتمالی بدنه سنتی نظام قضایی در برابر تغییر، از جمله چالش‌هایی است که مسیر رسیدن به «عدالت هوشمند» را ناهموار ساخته است. پژوهش حاضر بر آن است تا با مذاقه در متون قانونی و رویه قضایی موجود، ضمن تبیین قلمرو دادرسی الکترونیک، به کالبدشکافی این چالش‌ها پردازد و تبیین نماید که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های بی‌پایان تکنولوژی برای ارتقای کیفیت عدالت بهره جست، بدون آنکه اصول بنیادین و میراث کهن دادرسی منصفانه قربانی سرعت ماشین شود.

#### مفهوم‌شناسی و سیر تکوین دادرسی الکترونیکی

دادرسی، در لغت به معنای رسیدگی به دادخواهی، قضاوت، محاکمه و به داد مظلوم رسیدن به کار می‌رود (Moein, 2003) و همچنین عمل دادرسی و فرآیند رسیدگی او نیز دادرسی نامیده می‌شود (Dehkhoda, 1955). در اصطلاح حقوقی، دادرسی به معنای اعم، شاخه‌ای از علم حقوق است که به تعیین قواعد مربوط به تشکیلات مراجع قضایی و صلاحیت آن‌ها، همچنین قواعد ناظر بر انواع دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها می‌پردازد؛ مفهومی که در فقه اسلامی از آن با عنوان قضا یاد می‌شود (Jafari

در عصر حاضر که از آن به‌عنوان «انقلاب صنعتی چهارم» یا «عصر انفجار اطلاعات» یاد می‌شود، فناوری‌های نوین ارتباطی تمامی ساحت‌های حیات بشری را دگرگون ساخته‌اند. نظام‌های حقوقی نیز به‌عنوان نهادهایی پویا که وظیفه تنظیم روابط اجتماعی را بر عهده دارند، نمی‌توانند نسبت به این تحولات شگرف بی‌تفاوت بمانند. تحول از «دادرسی سنتی مبتنی بر کاغذ» به سوی «دادرسی الکترونیک»، نه تنها یک انتخاب مدیریتی برای کاهش هزینه‌ها، بلکه ضرورتی بنیادین برای تحقق عدالت در زمانه‌ای است که سرعت و دقت، حرف اول را در مبادلات انسانی می‌زنند. دادرسی الکترونیک در واقع نماد گذار قوه قضاییه از یک ساختار صلب و دیوان‌سالار به یک ساختار هوشمند و منعطف است که تلاش می‌کند دسترسی به عدالت را تسهیل نماید. در نظام حقوقی ایران، حرکت به سوی دادرسی الکترونیک با تصویب قوانینی همچون قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲) آغاز شد و با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ به اوج خود رسید. قانون‌گذار با درک ضرورت‌های زمانه، تلاش کرد تا مفاهیمی همچون «ابلاغ الکترونیک»، «ثبت دادخواست از راه دور» و «دادرسی تصویری» را وارد ادبیات حقوقی کشور کند. امروزه سامانه‌هایی نظیر «ثنا» صرفاً ابزارهای جانبی نیستند، بلکه ستون فقرات فرآیندهای قضایی را تشکیل می‌دهند. با این حال، ورود تکنولوژی به دادرسی‌ها، همواره با چالش‌های فلسفی و حقوقی همراه بوده است؛ چرا که دادرسی تنها یک فرآیند اداری نیست، بلکه مجموعه‌ای از تشریفات است که برای تضمین «دادرسی منصفانه» طراحی شده‌اند. قلمرو دادرسی الکترونیک در دو حوزه حقوق مدنی و کیفری، آثار و پیامدهای متفاوتی را به همراه داشته است. در دعاوی مدنی، تمرکز اصلی بر اعتبار ادله دیجیتال، امضای الکترونیک و کاهش اطاله دادرسی در پرونده‌های مالی و بازرگانی است (Moazzenzadegan et al., 2015). اما در مقابل، در حوزه

(Langroudi, 2013). اصطلاح دادرسی الکترونیکی نیز به معنای بهره‌گیری از سامانه‌ها و ابزارهای الکترونیکی و انجام فعالیت‌های قضایی به شیوه‌ای غیر از روش سنتی است (Pour Ostad & Golnush, 2010). از این رو، دادرسی الکترونیکی به نوع متفاوتی از رسیدگی ماهوی یا عدالت اشاره ندارد، بلکه ناظر بر استفاده دادگاه‌ها از ابزارهای نوین در فرآیند رسیدگی قضایی است. بنابراین، این امر به معنای تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تنها ساختار ظاهری و شکلی رویه‌ها را دگرگون می‌سازد. دادرسی که از مباحث شکلی حقوق به شمار می‌رود، شامل مواردی مانند ادله، تحقیقات مقدماتی، صدور کیفرخواست، صدور قرار تأمین، صدور حکم، تجدیدنظرخواهی، سؤالات متقابل و اقرار به جرم است. هر یک از این مراحل اگر با استفاده از ابزارها و امکانات فناوری مانند صفحه‌نمایش، ضبط صوت، اینترنت و مانند آن انجام شود، در واقع از مجازی شدن دادرسی حکایت دارد (Mehrafshan, 2011). به‌طور کلی، دادرسی مجازی یا الکترونیکی به انتقال اطلاعاتی اشاره دارد که در محیط دادگاه یا مرجع قضایی وجود دارد؛ اطلاعاتی که می‌تواند شامل ادله، دستورات دادگاه، تصمیم هیأت منصفه، اقرار متهم، اظهارات شاهد و سایر داده‌های مرتبط با رسیدگی باشد.

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی، روش کنفرانس ویدئویی برای جلسه تعیین قرار در دادگاه ایلینوئز مطرح شد. متعاقباً دادگاه فیلادلفیا روش تلویزیون مداربسته را در سال ۱۹۷۴ برای جلسه مقدماتی دادگاه به کار گرفت. دادگاه فلوریدا در سال ۱۹۸۳ این روش را برای جرایم جنحه‌ای به کار برد. اولین قوانین مرتبط با این امر نیز در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانون اصلاح دعاوی مرتبط با حبس مطرح گشت. به موجب این قانون امکان طرح دعاوی افراد زندانی (بازداشتی) از طریق تلفن، ویدئوکنفرانس یا سایر تکنولوژی‌ها، بدون انتقال فرد از زندان به دادگاه عنوان شد. در سال ۱۹۹۶ امکان طرح ویدئوکنفرانس در دعاوی مدنی به میان

آمد. در سال ۲۰۰۱ قانونی وضع شد تا امکان انجام ویدئوکنفرانس فقط در برخی جرایم وجود داشته باشد (Mehrafshan, 2011). از این رو، سیر تکوین دادرسی الکترونیک در نظام حقوقی ایران با پذیرش اعتبار ادله دیجیتال در دهه هشتاد خورشیدی آغاز شد که نقطه عطف آن تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ بود؛ در این مرحله، قانون‌گذار برای نخستین بار ارزش اثباتی «داده‌پیام» و امضای دیجیتال را در دعاوی مدنی به رسمیت شناخت و بستری فراهم آورد تا مدارک غیرکاغذی در مراجع قضایی قابل استناد باشند. متعاقب آن، با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، قواعد شکلی مربوط به تفتیش، توقیف و استناد به ادله الکترونیکی در امور کیفری تدوین شد که گامی اساسی در جهت خروج نظام قضایی از پوسته سنتی و حرکت به سمت ابزارهای نوین ارتباطی محسوب می‌گردید. در دهه نود، دادرسی الکترونیک از مرحله پذیرش دلیل فراتر رفته و به لایه‌های اجرایی و ساختاری رسید که تبلور عینی آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود (Zarkalam, 2012)؛ این قانون با اختصاص فصلی مجزا به دادرسی الکترونیکی، مفاهیمی همچون بازجویی از راه دور و دادرسی تصویری را وارد ادبیات حقوقی کرد. هم‌زمان با این تحولات تقنینی، قوه قضاییه با راه‌اندازی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و سامانه ابلاغ الکترونیک (ثنا)، فرآیند ثبت شکایات و دادخواست‌ها و همچنین ابلاغ اوراق قضایی را از حالت فیزیکی خارج ساخت و بدین ترتیب، بزرگ‌ترین عامل اطاله دادرسی، یعنی تشریفات ابلاغ کاغذی، را به نفع سرعت و دقت سیستمی حذف نمود (Khazaei, 1997). در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از چالش‌های ناشی از پاندمی کرونا، سیر تحول دادرسی الکترونیک به مرحله تثبیت و هوشمندسازی کامل رسیده است که نتیجه آن برگزاری گسترده جلسات محاکمه آنلاین و استفاده از سامانه ویدئوکنفرانس برای ارتباط با زندانیان و اصحاب دعا در نقاط دوردست می‌باشد. امروزه این روند با استقرار

خود را از طریق سامانه ابلاغ قوه قضاییه به ذی‌نفعان اعلام کنند. در این حوزه، دادرسی الکترونیک به معنای شفاف‌سازی فرآیندهای اداری و نظارت بر حاکمیت است که با راه‌اندازی سامانه‌هایی نظیر «ساجد»، امکان ثبت شکایت از مصوبات ابطال‌طلبانه یا اقدامات مراجع دولتی به صورت غیرحضوری فراهم شده است. این تحول، دسترسی شهروندان در اقصی نقاط کشور به مرجع عالی نظارت بر اداره را تسهیل کرده و محدودیت‌های جغرافیایی را در تظلم‌خواهی علیه قدرت عمومی از میان برداشته است. دادرسی الکترونیک در حقوق عمومی با مفهوم «شفافیت آرای قضایی» مرزهای مشترک پیدا می‌کند (Vejdani et al., 2022). انتشار الکترونیک آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از رویه‌های قضایی، به پیش‌بینی‌پذیر شدن رفتار دولت و دستگاه‌های اجرایی کمک کرده است. این امر سبب می‌شود که حق بر دادرسی عادلانه که از حقوق بنیادین در حقوق عمومی است، از طریق نظارت همگانی بر برخط بودن فرآیندها و تصمیمات اداری تقویت شده و از اعمال سلیقه‌های شخصی در بدنه اجرایی کاسته شود (Lamarche, 2011). با این حال، قلمرو دادرسی الکترونیک در این حوزه با چالش‌هایی همچون «امنیت داده‌های میان‌دستگاهی» و «احراز هویت دقیق اشخاص حقوقی دولتی» روبروست. تبادل الکترونیک اسناد دولتی میان مراجع قضایی و سازمان‌های عمومی نیازمند پروتکل‌های امنیتی بسیار بالایی است تا از جعل یا دستکاری در اسناد حاکمیتی جلوگیری شود. همچنین، ضرورت آموزش مستمر کارگزاران عمومی برای انطباق با این فرآیندهای نوین، بخشی از قلمرو توسعه‌یافته حقوق عمومی در بستر فناوری اطلاعات محسوب می‌شود که مستقیماً بر کارآمدی حکمرانی الکترونیک اثرگذار است.

سامانه‌هایی برای استعلام برخط اموال محکوم‌علیه در امور مدنی و نظارت الکترونیکی از طریق پابندهای هوشمند در امور کیفری تکمیل شده است؛ به گونه‌ای که دادرسی الکترونیک دیگر نه یک شیوه فرعی، بلکه به‌عنوان ستون فقرات نظام قضایی ایران در جهت تحقق «عدالت هوشمند» و کاهش مراجعات حضوری تثبیت شده است.

## قلمرو دادرسی الکترونیک در حقوق ایران

### حقوق عمومی

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است. حقوقدانان همواره در تلاش بوده‌اند تا با ارائه راهکارهای مناسب به دادرسی سرعت بخشند و اجرای عدالت را در کمترین زمان میسر سازند. در این راستا می‌توان از دادرسی الکترونیک جهت رفع اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم، افزایش دقت، جلوگیری از سردرگمی اشخاص در پیگیری پرونده‌ها، جلوگیری از طرح دعاوی تکراری، پیشگیری از وقوع جرم و... بهره جست (Zadeh Hossein Aliaei & Ahmadi, 2018). قلمرو دادرسی الکترونیک در حقوق عمومی ایران بیش از هر کجا در بستر دیوان عدالت اداری و تعامل میان شهروندان و نهادهای حاکمیتی تجلی یافته است. در راستای همین موضوع، در مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۱۷، در خبرگزاری‌ها، از جمله خبرگزاری مهر، اعلام گردید که اتصال شهرداری مشهد به سامانه ابلاغ قضایی ثنا، گام تازه در یکپارچه‌سازی ابلاغات اداری است. رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه در ویراستی نوشت: در راستای ماده ۱۰۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، شهرداری شهر مقدس مشهد نیز به سامانه ابلاغ قوه قضاییه متصل شد. پیش از این، دستگاه‌ها و بخش‌های مختلفی همچون شهرداری‌های تهران و قم، بورس، تأمین اجتماعی و تعزیرات به این سامانه متصل شده بودند. بیش از ۱۷۰ دستگاه اجرایی مشمول این قانون هستند و ملزم هستند نتایج تصمیمات

## حقوق کیفری

در حقوق کیفری، قلمرو دادرسی الکترونیک از حساسیت مضاعفی برخوردار است، چرا که با مفاهیمی چون آزادی تن و حقوق دفاعی متهم گره خورده است. برای مثال، پدیده اطاله دادرسی یکی از جدی‌ترین چالش‌های ساختاری نظام عدالت کیفری ایران به شمار می‌آید (Goldoust Jouybari & Akbari, 2011). طولانی شدن فرآیند رسیدگی نه تنها اصول بنیادینی چون حق بر دادرسی منصفانه، دسترسی به عدالت و کرامت انسانی را تضعیف می‌کند، بلکه موجب کاهش اثر بازدارندگی مجازات‌ها و سلب اعتماد عمومی از دستگاه قضایی نیز می‌شود. در پاسخ به این بحران، تحولات دیجیتال و به‌ویژه توسعه دادرسی الکترونیکی به‌عنوان رویکردی فناورانه - حقوقی مطرح شده است (Afrouzi et al., 2024). بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قلمرو دادرسی دیجیتال از مرحله تحت‌نظر قرار گرفتن و بازجویی‌های مقدماتی آغاز شده و تا مرحله اجرای احکام ادامه می‌یابد. استفاده از ویدئوکنفرانس برای تحقیق از متهمان یا شهود در خارج از حوزه قضایی و همچنین برگزاری جلسات دادگاه به‌صورت آنلاین، از بارزترین مصادیق گسترش این فناوری در امور کیفری است که به کاهش خطرات ناشی از نقل و انتقال زندانیان منجر شده است. بخش دیگری از قلمرو دادرسی الکترونیک در امور کیفری به «ادله دیجیتال» و نحوه استناد به آن‌ها اختصاص دارد. امروزه در جرایم رایانه‌ای و حتی جرایم سنتی، داده‌های استخراج‌شده از تلفن‌های همراه، دوربین‌های مداربسته و ردهای دیجیتال در شبکه‌های اجتماعی، بخش اعظمی از محتویات پرونده‌های کیفری را تشکیل می‌دهند. قانون‌گذار با وضع قواعد خاص برای توقیف و بازرسی این داده‌ها، تلاش کرده است تا میان ضرورت کشف جرم و حق بر حریم خصوصی شهروندان تعادلی برقرار کند که این موضوع مرزهای جدیدی را در دانش جرم‌شناسی دیجیتال ترسیم نموده است (Abuzari, 2024). در

نهایت، در مرحله اجرای احکام کیفری، تکنولوژی به کمک کاهش جمعیت کیفری آمده است (Bakhtiari & Khaleghi, 2023). استفاده از پابندهای الکترونیک به‌عنوان یکی از نهادهای دادرسی الکترونیک، به قاضی اجازه می‌دهد تا بدون محبوس کردن فرد در فضای فیزیکی زندان، قلمرو حرکتی او را تحت نظارت دقیق سیستم‌های موقعیت‌یاب قرار دهد. این رویکرد که نوعی «زندان مجازی» را پدید آورده، نشان‌دهنده تغییر پارادایم در حقوق کیفری ایران از کیفرهای سنتی به سمت نظارت‌های هوشمند و تکنولوژیک است که هم‌زمان هدف بازدارندگی و اصلاح مجرم را دنبال می‌کند.

## حقوق مدنی

تحقق امنیت قضایی و جلب اعتماد عمومی در گرو اجرای نظام‌مند و پرشتاب قوانین است؛ امری که بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی در فرآیندهای قضایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با این حال، به‌کارگیری ابزارهای الکترونیک باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که فناوری در خدمت حقوق باقی بماند، نه آنکه جایگزین جوهره انسانی قضاوت گردد یا از موازین آیین دادرسی پیشی بگیرد. واقعیت این است که پیاده‌سازی دادرسی الکترونیک در ایران، علی‌رغم تمام مزایا، بدون انطباق کامل با برخی اصول قانون آیین دادرسی مدنی صورت گرفته است. این عدم سازگاری، چالش‌های جدی در مراحل مختلف دادرسی پدید آورده است؛ از دشواری‌های ثبت دادخواست و پرداخت هزینه‌ها گرفته تا ابهامات در نحوه ابلاغ و نقض احتمالی تشریفات قانونی در استماع گواهی شهود و ارائه اصل اسناد را می‌توان اشاره داشت (Vejdani et al., 2022). علاوه بر این، رویکرد «اجباری بودن» دادرسی الکترونیک در نظام حقوقی فعلی، با چالش‌های بنیادی همچون نقض اصل برابری اصحاب دعوا، عدالت آیینی و اصل علنی بودن محاکم روبروست. برای برون‌رفت از این وضعیت و کاهش تبعیض‌های احتمالی، بازنگری در ساختار فعلی ضرورت دارد. به

است که مستقیماً در جهت حمایت از حقوق مالکانه طلبکاران و تقویت اعتبار اسناد قضایی عمل می‌کند.

### حقوق تجارت

حقوق تجارت به دلیل ماهیت مبتنی بر سرعت و اعتبار، مستعدترین حوزه برای استقرار دادرسی الکترونیک بوده است. در این قلمرو، دادرسی الکترونیک با مفاهیمی همچون «تجارت بدون کاغذ» و «اعتبار اسناد تجاری دیجیتال» پیوند خورده است ( Hadi, Tabar et al., 2023). ثبت الکترونیک شرکت‌ها و تغییرات آن‌ها در سامانه جامع ثبت شرکت‌ها، اولین گام در ورود فناوری به این حوزه بود که شفافیت در مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی را به همراه داشت و متعاقباً مبنای حل و فصل دعاوی تجاری در مراجع قضایی قرار گرفت. در دعاوی مربوط به اسناد تجاری نظیر چک، دادرسی الکترونیک با عملیاتی شدن «چک‌های صیادی» و سامانه «پیچک» به بلوغ رسیده است. قلمرو دادرسی در اینجا به گونه‌ای است که به محض برگشت خوردن چک در سامانه بانک مرکزی، کد رهگیری صادر شده و ذی‌نفع می‌تواند بدون نیاز به طی کردن مراحل طولانی دادرسی ماهوی، مستقیماً از طریق واحد اجرای احکام دادگستری درخواست صدور اجراییه نماید. این دادرسی شبه‌خودکار، امنیت سرمایه‌گذاری را افزایش داده و ریسک معاملات تجاری را به شدت کاهش داده است. در نهایت، در حوزه تجارت بین‌الملل و داوری، قلمرو دادرسی الکترونیک به سمت «داوری آنلاین» سوق یافته است ( Aliaei & Ahmadi, 2018). با توجه به پراکندگی جغرافیایی طرفین قراردادهای تجاری، بسیاری از اختلافات امروزه از طریق تبادل لوایح الکترونیک و جلسات استماع مجازی حل و فصل می‌شود. این فرآیند که در حقوق تجارت ایران نیز با تکیه بر اسناد الکترونیک اعتبار یافته است، هزینه‌های دادرسی تجاری را کاهش داده و با رویکرد جهانی حل و فصل سریع اختلافات بازرگانی همسو شده است که خود زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی در

نظر می‌رسد راهکار کارآمد، تغییر رویکرد از اجبار به «اختیار» برای اصحاب دعوا باشد؛ یا دست‌کم می‌توان با تفکیک نوع دعاوی، دادرسی الکترونیک را برای امور سرعت‌محور مانند دعاوی تجاری الزامی کرد و در مقابل، برای دعاوی حساس و عاطفی نظیر امور خانوادگی، شیوه سنتی و حضوری را برای حفظ کیفیت دادرسی ترجیح داد. قلمرو دادرسی الکترونیک در حقوق مدنی ایران، عمدتاً بر محور سرعت‌بخشی به تبادلات حقوقی و رفع موانع تشریفاتی در دعاوی خصوصی استوار شده است. نخستین و گسترده‌ترین قلمرو اجرایی در این حوزه، از طریق سامانه «ثنا» در بخش ابلاغ‌های قضایی محقق شد که به موجب آن، تمامی اوراق دعوا شامل اخطاریه‌ها و احکام، به صورت الکترونیک به کارتابل شخصی اصحاب دعوا ارسال می‌شود. این امر نه تنها مشکل قدیمی عدم شناسایی اقامتگاه خواننده را تا حد زیادی حل کرده، بلکه به تضييع حقوق مدنی ناشی از ابلاغ‌های غیر واقعی پایان داده است. در حوزه اثبات دعوا، قلمرو دادرسی الکترونیک به پذیرش گسترده امضای دیجیتال و اسناد الکترونیک در مبادلات مدنی تسری یافته است ( Dekeuwer-Défossez, 1990). با استناد به قانون تجارت الکترونیک، امروزه قراردادهای منعقد در فضای مجازی و پیام‌های مبادله‌شده در پیام‌رسان‌ها، در صورت احراز اصالت، دارای ارزش اثباتی برابر با اسناد کاغذی هستند ( Zarkalam, 2014). این گسترش قلمرو باعث شده است تا محاکم مدنی در مواجهه با دعاوی مالی و قراردادی، از رویکرد سنتی صرف به سمت تحلیل‌های فنی و استعلام‌های سیستمی حرکت کنند که نتیجه آن افزایش دقت در کشف حقیقت است. از جهاتی، با راه‌اندازی سامانه‌های استعلام برخط (سجا)، قضات اجرای احکام می‌توانند به صورت لحظه‌ای اموال محکوم‌علیه را در بانک‌ها، اداره ثبت اسناد و سازمان بورس شناسایی و توقیف کنند. این تحول، قلمرو دادرسی مدنی را از یک فرآیند طولانی و فرسایشی برای یافتن اموال مدیون، به یک فرآیند هوشمند و کارآمد تبدیل کرده

بستر حقوقی نوین است. بنابراین، دادرسی الکترونیکی در تمامی حقوق نوشته‌های جهان، امروزه از جایگاه مهمی برخوردار است؛ این موضوع در قالب قانونی مدون در سال ۱۳۸۲ با عنوان قانون تجارت الکترونیکی به حقوق ایران پا گذاشت. در ماده ۱۴ این قانون بیان گردیده است که: «کلیه «داده‌پیام»هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند، از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم‌مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار، در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است». که با تدقیق در این مقرر می‌توان عنوان داشت که داده‌پیام به‌عنوان یکی از ادله بسیار مهمی است که قابلیت استناد در مراجع قضایی را دارد. البته نیاز به ذکر است که مقررات بسیاری در این زمینه در قانون مذکور وجود دارد که به موضوع شرایط و آثار داده‌پیام‌ها پرداخته است. از جهاتی، دادرسی الکترونیکی در لایحه آیین دادرسی تجاری نیز در مواد مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، در مواد مختلفی همچون ماده ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۵۳ و ۵۹ و ۶۵ و ۸۹ و ۱۰۷ لایحه آیین دادرسی تجاری که در روز ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹ به مجلس، اعلام وصول شده، مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور مثال، در ماده ۵۹ لایحه مذکور بیان شده است که: «استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، حسب مورد برای طرح دعوی، ارجاع پرونده، تشکیل جلسه دادرسی، استماع شهادت شهود، ابلاغ دادنامه و دیگر اوراق قضائی و اوراق مربوط به اجرائیه و نیابت قضائی بلامانع است. شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های موضوع این ماده، به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که با رعایت قانون تجارت الکترونیک ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به پیشنهاد وزارت دادگستری و تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید». بنابراین، دادرسی الکترونیک فرآیندی نوین در عرصه حقوق تجارت است

که می‌تواند بسیاری از مشکلات در روند دادرسی در نظام حقوقی را برطرف نموده و کمک بزرگی در جهت تحقق هدف اساسی حقوق، یعنی برقراری عدالت و پاسخ‌گویی قانونی در کوتاه‌ترین زمان، ارائه دهد. به لطف دادرسی الکترونیکی، محدودیت‌های زمانی و مکانی به طرز شگرفی کاهش یافته است. کاهش هزینه‌های سیستم قضایی، افزایش سرعت انجام کارها، انسجام در مجموعه اطلاعات سیستم قضایی، افزایش امنیت قضایی و اداری، از دیگر دستاوردهای دادرسی الکترونیکی است. دادرسی الکترونیکی دارای شرایط شکلی و ماهوی است و بررسی آن در شرایط مختلف از اهمیت برخوردار است. بررسی شرایط و آثار دادرسی الکترونیکی در دادرسی‌های تجاری، به‌ویژه در مقایسه با کشورهای دیگر، از امنیت برخوردار است و از این رو بررسی و مطالعه مقررات مختلف نظام‌های حقوقی همچون نظام کامن‌لا و نظام رومی - ژرمنی و... به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته، راهکارهای مناسبی را در دادرسی تجاری موجود در حقوق ایران ارائه خواهند نمود. به گونه‌ای که در نظام حقوقی کامن‌لا، بهترین نوع دادرسی الکترونیکی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد و در کشور آمریکا و انگلیس، ادله به‌صورت الکترونیکی و حتی شهادت شهود به‌صورت الکترونیکی صورت می‌گیرد و کارکردها و زیربناهای الکترونیکی به بهترین نحو موجود است. در دادرسی الکترونیکی، خدمات قضایی با تسریع، سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی در اختیار اصحاب دعوی قرار می‌گیرد. از این جهت، توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی به‌عنوان یک طرح ملی است که در پیرامون تحقق این هدف انجام گردیده است. با توسعه ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، امکان اجتناب از حضور فیزیکی اصحاب دعوا و کاهش استفاده از کاغذ در دادرسی‌ها فراهم شده است. کشورهای پیشرفته بیش از یک دهه است برای الکترونیکی شدن روند دادرسی‌ها در تلاش هستند و در صدد هستند تا روند دادرسی، از تقدیم شکواییه و دادخواست، ابلاغ

می‌گردد و معادل آن با پیش‌بینی قوانین بودجه سالیانه در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گیرد تا جهت استقرار شعب این دادگاه‌ها به تعداد کافی، ارتقاء تخصص، پرداخت حق‌الزحمه مشاوران، ترویج و حمایت از سایر روش‌های حل‌وفصل جایگزین رسیدگی قضائی (داوری، سازش و میانجیگری)، تجهیز دادگاه‌های تجاری و دفاتر آن‌ها به امکانات الکترونیک پیشرفته و سایر هزینه‌های مورد نیاز جهت اجرای این قانون صرف گردد. قوه قضائیه باید ترتیباتی اتخاذ نماید که تعداد پرونده‌های جاری در هر شعبه از صد پرونده فراتر نرود. همچنین، دولت مکلف است به منظور اجرای این قانون، بنا به پیشنهاد قوه قضائیه، اعتبارات لازم را در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید. با توجه به مقرر مذکور نیز اعتبارات لازم جهت دادرسی الکترونیک در دادرسی تجاری مورد شناسایی قرار گرفته است. البته قواعد عمومی دادرسی در دادرسی الکترونیک نیز جاری است و نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که کلیه اصول حاکم بر دادرسی در دادرسی الکترونیک، می‌بایست مورد توجه باشد و شرایط طرح دعوا و نحوه رسیدگی نیز از اهمیت برخوردار است. البته تفاوتی که در شرایط دادرسی الکترونیک در لایحه آیین دادرسی تجاری با قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان مورد توجه قرار داد، این است که لایحه مذکور به‌طور خاص به مصادیق و ابعاد حقوقی دادرسی الکترونیک اشاره داشته که قانون آیین دادرسی مدنی به این نحو وارد نشده و همچنین، در راستای قواعد عمومی دادرسی، می‌بایست به قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه نمود که لایحه مذکور در برخی قواعد مسکوت مانده است.

#### چالش‌های ناشی از دادرسی الکترونیک در حقوق ایران

##### چالش‌های زیرساختی و فنی - شکاف دیجیتال

شکاف دیجیتال به‌عنوان یکی از بنیادین‌ترین موانع در مسیر عدالت الکترونیک، دیواری نامرئی میان شهروندان و حق تظلم‌خواهی آنان ایجاد کرده است؛ به‌طوری که عدم توزیع عادلانه زیرساخت‌های مخابراتی و پهنای باند اینترنت در جغرافیای ایران، عملاً دادرسی

دادخواست و سایر اوراق قضایی، تبادل لوایح و ارائه دلایل و مدارک و مستندات، حتی تشکیل جلسات دادرسی، انجام استعلام‌ها و اجرای برخی از قرارهای دادگاه، صدور حکم و ابلاغ آن و حتی اجرای بخشی از احکام دادگاه‌ها از راه دور و با بهره‌گیری از روش‌های الکترونیکی صورت گیرد (Zarkalam, 2012). به‌طور کلی، در لایحه آیین دادرسی تجاری به موضوع دادرسی الکترونیکی اشاره گردیده است. ماده ۳۳ لایحه مقرر نموده است که: «ابلاغ دادخواست و سایر اوراق قضائی در خارج از کشور به‌وسیله مأموران رایزنی یا سیاسی به عمل می‌آید. دادگاه اوراق اخطاریه و پیوست‌های آن را به قوه قضائیه ارسال و قوه قضائیه مکلف است اوراق را از طریق وسایل ارتباط از راه دور، از قبیل دورنگار یا پست الکترونیکی، به سفارتخانه یا رایزنی ایران در کشور محل اقامت خوانده ارسال کند و مأموران سفارت یا رایزنی باید ظرف ده روز اوراق را به طریق مقتضی ابلاغ و با استفاده از وسایل ارتباط از راه دور برای قوه قضائیه اعاده کنند تا به دادگاه رسیدگی‌کننده ارسال گردد. دادگاه مکلف است وقت رسیدگی را به‌گونه‌ای تعیین کند که مطمئن باشد اوراق اخطاریه تا تاریخ تعیین شده اعاده می‌گردد». همچنین، در ماده ۳۴ لایحه نیز اشاره شده است: «در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید یا پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند، بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه، مفاد دادخواست در پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوه قضائیه آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از ده روز باشد». ماده ۸۹ لایحه مذکور: «کلیه آراء دادگاه‌های تجاری بدون ذکر مشخصات اصحاب دعوی باید حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ صدور رأی قطعی در پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوه قضائیه منتشر شود». در انتها، در ماده ۱۳۳ لایحه نیز بیان گردیده است: «پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه ناشی از هزینه دادرسی در دادگاه‌های تجاری به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل واریز

را به امتیازی برای ساکنان مراکز توسعه یافته تبدیل می‌کند. در حالی که دادرسی الکترونیکی با هدف حذف فواصل جغرافیایی طراحی شده، برای اقشار کم‌برخوردار و ساکنان مناطق دورافتاده که از ابزارهای هوشمند یا پوشش پایدار شبکه بی‌بهره‌اند، این سامانه نه تنها تسهیل‌گر نیست، بلکه به سدی بدل گشته که می‌تواند منجر به «اطاله دادرسی تحمیلی» یا حتی سلب حق دفاع شود (Goyandeh et al., 2023). این نابرابری ساختاری، مفهوم برابری اصحاب دعوا را خدشه‌دار کرده و بیم آن می‌رود که عدالت قضایی، ناخواسته به سطح سواد دیجیتال و توان مالی افراد در تهیه تجهیزات نوین گره بخورد. از سوی دیگر، پایداری فنی و امنیت سایبری، پاشنه آشیل سامانه‌هایی نظیر «عدل ایران» محسوب می‌شود که هرگونه اختلال در عملکرد آن‌ها، به معنای توقف کامل جریان عدالت و سردرگمی شدید مراجعان است. قطعی‌های مکرر و خروج این سامانه‌ها از دسترس در مواعد حساس قانونی، ریسک تضییع حقوق مدنی را به شدت افزایش داده و اعتماد عمومی به کارآمدی قوه قضاییه را به چالش می‌کشد (Khandani et al., 2020). علاوه بر این، تجمع حجم عظیمی از داده‌های حساس، اسرار تجاری و اطلاعات خصوصی شهروندان در این بانک‌های اطلاعاتی، آن‌ها را به هدفی جذاب برای حملات سایبری و نفوذهای غیرمجاز تبدیل کرده است. در غیاب یک پروتکل امنیتی نفوذناپذیر و زیرساخت‌های پشتیبان قدرتمند، نشت اطلاعات یا دستکاری در سوابق الکترونیکی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای حریم خصوصی افراد و اعتبار حاکمیت قانون به همراه داشته باشد.

### چالش‌های حقوقی و موازین دادرسی منصفانه

جایگزینی حضور فیزیکی اصحاب دعوا، به‌ویژه در پرونده‌های کیفری، با ارتباطات تصویری (ویدئوکنفرانس)، اصل حیاتی «فوریت و مواجهه حضوری» را با چالش‌های جدی روبرو کرده است. در دادرسی‌های سنتی، قاضی با ملاحظه دقیق واکنش‌های

رفتاری، زبان بدن و لحن کلام متهم و شهود، به «اقناع وجدانی» می‌رسد؛ فرآیندی که در فضای مجازی به دلیل محدودیت‌های زاویه دید دوربین و کیفیت صدا و تصویر، دچار تقلیل شده و ممکن است به درک نادرست از واقعیت منجر شود. علاوه بر این، دادرسی از راه دور موازین «حق دفاع» را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. تضمین محرمانگی مطلق در ارتباط میان وکیل و موکل (به‌ویژه برای متهمان زندانی) در بسترهای الکترونیکی بسیار دشوار است و همواره این بیم حقوقی وجود دارد که متهم در محیطی خارج از پناهگاه امن دادگاه، تحت فشار، اکراه یا القانات ضابطان قضایی قرار گرفته و اظهاراتی برخلاف حقیقت ابراز نماید که این امر با جوهره عدالت قضایی در تضاد است. از سوی دیگر، پذیرش «ادله دیجیتال» در نظام حقوقی ایران، هم‌زمان با جهش فناوری‌های جعل و فریب، دادگاه‌ها را در تشخیص اصالت داده‌پیام‌ها با بن‌بست‌های فنی روبرو ساخته است. ظهور فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون «دیپ‌فیک» (جعل عمیق) و ابزارهای پیچیده ویرایش داده، مرز میان حقیقت و تزویر را چنان کم‌رنگ کرده که دیگر نمی‌توان صرفاً به ظاهر یک مستند الکترونیک اتکا کرد. با وجود اعتبار قانونی این ادله، سیستم قضایی در بسیاری از موارد با کمبود شدید آزمایشگاه‌های مرجع، کارشناسان فنی خبره و ابزارهای راستی‌آزمایی آتی روبروست. این شکاف میان «پذیرش قانونی» و «توانایی اثباتی»، سبب شده است که قضات در مواجهه با ادعای انکار یا جعل در فضای مجازی، با تردیدهای جدی روبرو شوند؛ امری که در نهایت می‌تواند منجر به تزلزل در اعتبار احکام صادره و آسیب به امنیت حقوقی شهروندان گردد (Rahimi & Mikhchi, 2017).

### چالش‌های انسانی و فرهنگی

شکاف عمیق در سواد دیجیتال میان کنشگران عرصه قضا، دادرسی الکترونیکی را از یک ابزار تسهیل‌گر به یک «تله آیین دادرسی» برای بسیاری از شهروندان تبدیل کرده است. پیچیدگی‌های فنی

سامانه‌ها در کنار ناآشنایی بخش بزرگی از جامعه و حتی برخی از کارکنان اداری با پروتکل‌های نوین ارتباطی، موجب شده است که «خطای کاربری» به یکی از دلایل عمده تضییع حقوق اساسی تبدیل شود. زمانی که یک دادخواست به دلیل ناتوانی در بارگذاری صحیح منضمات یا اشتباه در انتخاب عناوین حقوقی در سامانه، با قرار رد یا ابطال مواجه می‌شود، در واقع عدالت فدای فقدان مهارت فنی شده است. این موضوع نه تنها منجر به هدررفت زمان و هزینه‌های گزاف برای مراجعان می‌گردد، بلکه با ایجاد احساس ناتوانی و سرخوردگی، لایه‌ای جدید از اضطراب قضایی را بر جامعه تحمیل می‌کند که در آن، حق داشتن وکیل یا دادخواهی، به شکلی ناخواسته به داشتن دانش فنی پیشرفته گره خورده است. از سوی دیگر، مقاومت ساختاری در برابر تغییر و پیوند روانی بدنه سنتی نظام قضایی با «فیزیک کاغذ»، مانعی جدی در مسیر استقرار کامل تحول دیجیتال ایجاد کرده است. در بسیاری از شعب، همچنان نوعی تصلب فکری نسبت به اعتبار امضای الکترونیک و پرونده‌های مجازی وجود دارد و «برگه کاغذی» همچنان به عنوان تنها نماد اطمینان بخش حقیقت شناخته می‌شود. این رویکرد سنتی باعث شکل‌گیری یک «بروکراسی موازی و هیبریدی» شده است که در آن، اصحاب دعوا علی‌رغم ثبت الکترونیک تمامی مدارک، مجدداً ملزم به ارائه نسخه‌های فیزیکی و تشکیل پرونده‌های کاغذی می‌شوند. این موازی‌کاری نه تنها فلسفه وجودی دادرسی سبز و بدون کاغذ را زیر سؤال می‌برد، بلکه با افزایش هزینه‌های نظام قضایی و ایجاد فرآیندهای فرسایشی، سرعت رسیدگی را که شعار اصلی فناوری‌های نوین است، به شدت کاهش داده و کارآمدی سیستم را در هاله‌ای از تردید قرار می‌دهد.

**چالش‌های مربوط به حریم خصوصی**

تمرکز بی‌سابقه حجم عظیمی از داده‌های حساس در سامانه‌های قضایی، حریم خصوصی شهروندان را در ابعادی نوین و نگران‌کننده در معرض تهدید قرار داده است (Mohseni &

Ghasemzadeh, 2006). در فرآیند دادرسی الکترونیک، خصوصی‌ترین زوایای زندگی افراد (از جزئیات دعوی خانوادگی و احوال شخصی گرفته تا اسرار تجاری و تراکنش‌های مالی) به صورت یکپارچه در سرورهای مرکزی ذخیره می‌شود. این تمرکز داده‌ای، اگرچه دسترسی قضایی را تسهیل می‌کند، اما هم‌زمان یک «معدن طلای اطلاعاتی» برای مهاجمان سایبری و نفوذگران ایجاد کرده است. در غیاب یک ساختار امنیتی نفوذناپذیر، کوچک‌ترین رخنه فنی می‌تواند منجر به افشای گسترده اسرار زندگی خصوصی هزاران شهروند شود؛ امری که نه تنها حیثیت و اعتبار اشخاص را به مخاطره می‌اندازد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز جرایمی نظیر اخاذی، کلاهبرداری و سوءاستفاده‌های ثانویه از اطلاعات طبقه‌بندی شده گردد. از سوی دیگر، چالش بنیادین در نظام حقوقی ایران، خلأ ناشی از نبود یک قانون جامع و سخت‌گیرانه در حوزه «حفاظت از داده‌ها» است که به‌طور اختصاصی تکالیف و مسئولیت‌های نهادهای حاکمیتی را در قبال داده‌های شهروندان تبیین کند. برخلاف استانداردهای جهانی (مانند *GDPR*) که حق بر فراموشی، محدودیت در دسترسی و شفافیت در پردازش داده‌ها را تضمین می‌کنند، در بستر فعلی دادرسی الکترونیک، مرزهای دقیق دسترسی کارگزاران به اطلاعات اصحاب دعوا چندان روشن نیست. این ابهام قانونی و نبود نظارت‌های مستقل بر لایه‌های دسترسی، این هراس مشروع را در جامعه ایجاد می‌کند که اطلاعات خصوصی آن‌ها، فراتر از نیاز پرونده، مورد پایش یا بهره‌برداری‌های غیرقضایی قرار گیرد (Rahmati, 2022). در واقع، بدون پشتوانه قانونی محکم که سوءاستفاده از داده‌های حاکمیتی را با مجازات‌های بازدارنده روبرو کند، امنیت حقوقی شهروندان در فضای مجازی همواره در سایه‌ای از تردید باقی خواهد ماند.

تمرکز بی‌سابقه حجم عظیمی از داده‌های حساس در سامانه‌های قضایی، حریم خصوصی شهروندان را در ابعادی نوین و نگران‌کننده در معرض تهدید قرار داده است (Mohseni &

## نتیجه‌گیری

استقرار دادرسی الکترونیک در نظام قضایی ایران، هرچند گامی بلند و گریزناپذیر در جهت تحقق «قضاوت هوشمند» و ابزاری کارآمد برای عبور از بن‌بست‌های دادرسی سنتی نظیر اطلاع‌رسانی و هزینه‌های گزاف اجرایی است، اما بررسی قلمرو و چالش‌های آن نشان می‌دهد که این گذار ساختاری، پیش از آنکه صرفاً یک تحول فنی باشد، یک چالش بنیادین در حوزه فلسفه حقوق و اصول دادرسی منصفانه است. یافته‌های تحقیق حاضر مبین آن است که میان «سرعت‌بخشی به فرآیندها» و «رعایت عدالت آیینی»، نوعی تزاخم پدید آمده است؛ به طوری که در بسیاری از موارد، تکنولوژی به جای آنکه در خدمت حقوق و اجرای عدالت باشد، موازین دادرسی را تحت‌الشعاع الزامات فنی خود قرار داده است. تمرکز بر زیرساخت‌های الکترونیک بدون در نظر گرفتن «شکاف دیجیتال» و نابرابری شهروندان در دسترسی به ابزارهای نوین، می‌تواند مفهوم تظلم‌خواهی را از یک حق همگانی به یک امتیاز فناورانه تقلیل داده و اصل برابر بودن اصحاب دعوا را به شکلی ساختاری مخدوش سازد. در نهایت، برای آنکه دادرسی الکترونیک به جای تهدید، به فرصتی برای تعالی عدالت تبدیل شود، بازنگری در سیاست‌گذاری‌های حقوقی ضرورت

Electronic litigation does not change the substantive nature of adjudication; rather, it transforms the procedural form through which claims are filed, notices are served, evidence is exchanged, hearings are conducted, judgments are issued, and enforcement measures are implemented. In this sense, electronic proceedings constitute a procedural modernization of judicial administration while remaining bound by the classical principles of fair trial, equality of arms, judicial impartiality, legal certainty, and protection of litigants' rights. The conceptual foundations of litigation, as a legal process for adjudicating claims and organizing judicial authority, have traditionally been defined through procedural

دارد. نظام قضایی باید از رویکرد «اجبار مطلق» به سمت «مدیریت هوشمند و تفکیکی» حرکت کند؛ به گونه‌ای که در دعاوی واجد جنبه‌های عاطفی و پیچیدگی‌های رفتاری (نظیر دعاوی خانوادگی و کیفری سنگین)، اصل بر حضور فیزیکی و مواجهه مستقیم باشد تا «اقتناع وجدانی قاضی» و «حق دفاع متهم» فدای محدودیت‌های ارتباطات مجازی نشود. همچنین، ضرورت تدوین قوانین جامع در حوزه «حفاظت از داده‌های قضایی» و تقویت آزمایشگاه‌های مرجع برای احراز اصالت ادله دیجیتال، پیش‌شرط‌های غیرقابل‌انکاری هستند که بدون آن‌ها، امنیت قضایی و اعتماد عمومی به آراء صادره در بستر الکترونیک فراهم نخواهد شد. دادرسی الکترونیک نباید به معنای «حذف انسان از فرآیند قضاوت» یا «کاهش استانداردهای دادرسی منصفانه» تعبیر شود، بلکه باید به‌عنوان ابزاری تکمیلی در جهت شفافیت، نظارت‌پذیری و دسترسی آسان‌تر به عدالت، در چارچوب اصول لایتغیر حقوقی بازتعریف گردد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## EXTENDED ABSTRACT

Electronic litigation has become one of the central manifestations of judicial transformation in contemporary legal systems, particularly in contexts where prolonged proceedings, paper-based bureaucracy, geographic barriers, and increasing volumes of litigation have weakened access to justice. In Iranian law, the movement toward electronic proceedings began with the recognition of electronic data and digital signatures in the Electronic Commerce Law and was later strengthened through criminal procedure reforms, judicial service offices, electronic notification systems, and online case-management platforms.

rules and institutional competence (Dehkhoda, 1955; Jafari Langroudi, 2013; Moein, 2003). However, with the rise of electronic tools, the same procedural functions are now increasingly performed through digital platforms, remote communication systems, electronic files, digital evidence, and online notifications (Mehrafshan, 2011; Pour Ostad & Golnush, 2010).

The purpose of the present study is to explain the scope of electronic litigation in Iranian law and to identify the legal, technical, institutional, and human challenges arising from its implementation in different legal domains, including public law, criminal law, civil law, and commercial law. The study adopts a descriptive-analytical method and relies on library-based legal analysis of statutes, regulations, doctrinal writings, and scholarly studies concerning electronic justice, electronic evidence, fair trial guarantees, privacy protection, and procedural efficiency. The analytical focus is not limited to the technical deployment of digital platforms; rather, it examines whether these platforms strengthen or weaken the normative foundations of adjudication. The article therefore approaches electronic litigation as a dual phenomenon: on the one hand, it is a necessary response to delay, cost, administrative congestion, and geographic inequality; on the other hand, it may generate new forms of exclusion, procedural inequality, evidentiary uncertainty, and privacy risk. Prior studies have emphasized that electronic proceedings can reduce judicial delay and increase procedural speed, especially where electronic notification and online filing replace time-consuming paper-based procedures (Afrouzi et al., 2024; Goldoust Jouybari & Akbari, 2011; Khazaei, 1997). At the same time, scholars have warned that electronic proceedings must be evaluated from the perspective of litigants' rights and fair trial standards, because procedural efficiency alone

cannot justify the weakening of defense rights, adversarial participation, or reliable judicial assessment (Lamarque, 2011; Vejdani et al., 2022).

The findings indicate that the scope of electronic litigation in Iran has expanded beyond preliminary administrative services and now covers a wide range of judicial functions. In public law, electronic litigation has facilitated citizens' access to administrative justice, especially through electronic complaint systems, online filing mechanisms, and digital publication of decisions. This development improves transparency, strengthens oversight of public authorities, and reduces geographic obstacles for citizens seeking judicial review of administrative decisions. In civil law, the electronic notification system, especially through the Sana platform, has altered the traditional model of service of process and has helped address recurring problems such as false notification, unknown residence, and delay in delivering judicial papers. Moreover, the recognition of electronic documents, data messages, and digital signatures has expanded the evidentiary framework of civil litigation and has required courts to engage with new forms of proof in contractual and financial disputes (Moazzenzadegan et al., 2015; Rahimi & Mikhchi, 2017; Zarkalam, 2014). In criminal law, the scope of electronic proceedings is more sensitive because it directly concerns personal liberty, defense rights, interrogation, witness testimony, and execution of sentences. Remote interrogation, video-conference hearings, digital evidence, electronic monitoring, and smart ankle bracelets illustrate the growing penetration of technology into criminal justice (Abuzari, 2024; Bakhtiari & Khaleghi, 2023). In commercial law, electronic litigation is particularly compatible with the values of speed, credit, certainty, and paperless transactions, especially in relation to

electronic commercial documents, online arbitration, digital company registration, and electronic enforcement mechanisms (Aliaei & Ahmadi, 2018; Dekeuwer-Défossez, 1990; Hadi Tabar et al., 2023).

Despite these achievements, the study shows that electronic litigation in Iran faces serious challenges that prevent it from becoming a fully reliable model of smart justice. The first major challenge is infrastructural inequality and the digital divide. Unequal access to stable internet, digital literacy, electronic devices, and reliable communication networks may turn electronic litigation from a tool of accessibility into a mechanism of exclusion. This is especially problematic for rural populations, economically disadvantaged litigants, elderly users, and individuals unfamiliar with electronic platforms. If a litigant cannot properly upload documents, access notices, participate in online hearings, or use judicial portals, the right to be heard may be impaired in practice. The second challenge concerns system stability and cybersecurity. Electronic judicial platforms contain highly sensitive data, including personal files, family disputes, criminal records, commercial secrets, financial information, and evidentiary materials. Any technical failure, cyberattack, unauthorized access, or data manipulation may directly threaten legal security and public trust in the judiciary (Goyandeh et al., 2023; Khandani et al., 2020). The third challenge relates to human and institutional resistance. Many legal actors still rely on the psychological certainty of paper files and physical hearings, which has created a hybrid bureaucracy in which electronic filing is sometimes followed by demands for physical copies. This duplication undermines the philosophy of paperless justice and reduces the procedural efficiency that electronic litigation is supposed to achieve (Zadeh Hossein Aliaei & Ahmadi, 2018; Zarkalam, 2012).

The most important normative challenge of electronic litigation concerns the balance between technological efficiency and fair trial guarantees. In criminal cases, replacing physical presence with video-conference participation may affect the judge's ability to evaluate demeanor, body language, hesitation, pressure, fear, or spontaneity. It may also weaken the accused's right to confidential communication with counsel, especially when the accused participates remotely from prison or another controlled environment. Therefore, electronic criminal proceedings must be designed in a way that preserves the right of defense, adversarial confrontation, effective legal representation, and judicial immediacy. The evidentiary dimension is equally important. Although electronic evidence has been legally recognized, its authentication remains a complex issue because digital files can be altered, fabricated, deleted, reconstructed, or manipulated through advanced technologies such as deepfake tools. This creates a gap between the legal admissibility of electronic evidence and the technical ability of courts to verify authenticity (Moazzenzadegan et al., 2015; Rahimi & Mikhchi, 2017). Privacy is another critical concern. Electronic litigation centralizes vast quantities of sensitive judicial data, yet the absence of a comprehensive and strict data-protection framework creates uncertainty about access limits, retention periods, processing transparency, and liability for misuse. Without strong legal safeguards and independent oversight, electronic justice may unintentionally expand the surveillance capacity of institutions and expose litigants to secondary harms arising from data leakage or unauthorized use (Mohseni & Ghasemzadeh, 2006; Rahmati, 2022).

The study concludes that electronic litigation in Iranian law has moved beyond the stage of experimentation and has become an unavoidable component of the contemporary

judicial system. Its contribution to reducing delay, facilitating access, accelerating communication, improving administrative coordination, and supporting smart enforcement is undeniable. However, electronic litigation must not be understood as a purely technical reform or as a substitute for the human and normative foundations of adjudication. Its legitimacy depends on whether it can preserve fair trial standards while enhancing procedural efficiency. For this reason, the future of electronic justice in Iran requires a differentiated and intelligent policy approach: electronic mechanisms may be prioritized in commercial, administrative, and routine civil matters where speed and documentation are central, while physical presence should remain preferred in sensitive criminal, family, and personality-related disputes where direct judicial perception and human interaction are essential. The development of secure infrastructure, digital-literacy programs, specialized forensic laboratories, clear rules on electronic evidence, and comprehensive judicial data-protection legislation is essential. Electronic litigation should ultimately function as a complementary instrument for transparency, accessibility, and efficiency, not as a mechanism that weakens defense rights, privacy, equality of arms, or the human essence of justice.

## References

- Abuzari, M. (2024). Combating Delinquency in the Age of Artificial Intelligence: Prediction as Prevention. *Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 1(2).
- Afrouzi, H., Shirzad Rajouni, H., & Mahmoudi, A. (2024). The Role of Electronic Proceedings in Reducing Prolongation of Criminal Proceedings in Iran with Emphasis on the Judiciary Transformation and Excellence Document. *Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(4).
- Aliaei, Z. Z. H., & Ahmadi, A. (2018). Electronic Proceedings in Iranian Law: Objectives, Foundations, and Characteristics. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*(35).
- Bakhtiari, F., & Khaleghi, A. (2023). The Impact of Emerging Technologies on International Criminal Investigations and Prosecutions. *Criminal Law and Criminology Research*, 13(26).
- Dehkhoda, A. A. (1955). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 22). University of Tehran.
- Dekeuwer-Défossez, F. (1990). *Droit commercial*. Montchrestien.
- Goldoust Jouybari, R., & Akbari, J. (2011). Structural Factors of Prolongation of Proceedings in Criminal Authorities. *Legal Research Journal of the Faculty of Law, Shahid Beheshti University*(54).
- Goyandeh, H., Bigdeli Azari, N., & Payan, V. (2023). Reducing Prolongation of Proceedings in Light of the Judge's Management of Evidence. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 15(30).
- Hadi Tabar, E., Kazem, M., & Yaghoubi Golvardi, M. K. (2023). Electronic Evidence in Criminal Proceedings in the Iranian Legal System. 3(1).
- Jafari Langroudi, M. J. (2013). *Legal Terminology*. Ganj-e Danesh.
- Khandani, S. P., Vaezi, N., & Khaleghian, J. (2020). A Comparative Study of the Impact of Electronic Civil Proceedings on Speed of Adjudication in Iranian and American Law. *Political Sociology Quarterly*, 3(1).
- Khazaei, M. (1997). Theoretical and Practical Examination of Accelerating Criminal Procedure. *Legal Research Journal*(19-20).
- Lamarche, T. (2011). Pour une simplification des actes de procédure entre auxiliaires de justice. *La Semaine Juridique Edition Générale*.
- Mehrafshan, A. (2011). Virtual Proceedings: A New Concept in Judicial Justice. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 3(5).
- Moazzenzadegan, H. A., Soleiman Dehkordi, E., & Youshi, M. (2015). Preserving the Validity and Admissibility of Electronic Evidence Using Biometrics and Cryptography. *Criminal Law Book*(12).
- Moein, M. (2003). *Persian Dictionary*. Rah-e Roshd.
- Mohseni, F., & Ghasemzadeh, F. (2006). Privacy in Cyberspace with Emphasis on Iranian Law. *Sharif Industrial Engineering and Management*, 22(34).
- Pour Ostad, M., & Gelnush, A. (2010). Report on the Trip to the E-Justice Conference in Hungary. *Bar Association Journal*.
- Rahimi, F., & Mikhchi, H. (2017). A Brief Review of the Authenticity of Electronic Documents and Evidence in the Iranian Legal System. *Knowledge of Law and Finance*, 1(1).
- Rahmati, H. (2022). Violation of Privacy in Electronic Proceedings and Iranian Criminal Policy toward It. Fifth International Conference and Sixth

- National Conference on Law and Political Science,
- Vejdani, E., Mohammadi, S., & Hosseini Moghadam, S. H. (2022). Challenges of Implementing Electronic Proceedings in Iranian Law from the Perspective of Fair Trial and Litigants' Rights. *Private Law Studies Quarterly*, 52(1).
- Zadeh Hossein Aliaei, Z., & Ahmadi, A. (2018). Electronic Proceedings in Iranian Law: Objectives, Foundations, and Characteristics. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*, 14(35).
- Zarkalam, S. (2012). Electronic Proceedings: Necessities, Requirements, and Challenges. *Criminal law doctrines*(3).
- Zarkalam, S. (2014). *Electronic Commerce Law*. Shahr-e Danesh.